نوشتار

درک روشنفکران مسلمان ایرانی پیش از انقلاب از عدالت

احسان شریعتی
استاد فلسفه

آرمان و اندیشه عدالـــت در تاریخ بشر ریشه‌دار است، به خصوص در تاریخ اندیشه فلسفی یونان که مباحث بسیاری مطرح شد که بعدا در کلام دینی به شکل مباحث کلامی، الهیاتی و سیاسی تکرار شد. این مباحث در دوره جدید هم مطرح شده‌اند؛ مانند اندیشه‌های نوافلاطونی و نوارسطویی گری که نشانگر بازپرداختن به آن مسائل قدیمی است. این موضوع از این نظر مهم است که ما می‌بینیم در بسیاری از رزیابی‌هایی که از متفکران یا روشنفکران می‌شود، گاهی بدون اشاره به این ریشه‌های تاریخی اندیشگی، فکر می‌کنند این متفکران ما مثل علامه طباطبایی یا آیتا... مطهری و... خودشان به این نتایج رسیده‌اند و به سابقه آن توجه نمی‌کنند. حال باید ببینیم که چرخش بحث، چه خودویژگی‌ای دارد. انقلابی که در تعاریف باستانی از عدالت رخ می‌دهد و تغییر بزرگی در تاریخ بشر ایجاد می‌کند. انقلاب توحیدی است. به این معنا که انسان‌ها در برابر یک خدای واحد، مساوی هستند. این درک از توحید نزد متفکران و روشنفکران از سر گرفته می‌شود چنانکه در آستانه انقلاب ایران، ما شاهد بروز نهضت الهیات رهایی‌بخشی هستیم. این رویکرد از دهه ۱۳۲۰ در ایران شروع می‌شود؛ مثلا محمدتقی شریعتی کانون نشر حقایق اسلامی را در مشهد در سال ۱۳۲۳ تاسیس می‌کند و محمد نخشب که خدایرستان سوسیالیست را در سال ۱۳۲۲ در تهران تشکیل می‌دهد. ما می‌دانیم با اینکه مهندس بازرگان بر عدالت اقتصادی و اجتماعی تاکید کمتری دارد ولی در حوزه عدالت قضایی و حقوقی، نه تنها یکی از متفکران بلکه از مبارزان و فعالینی است که برای اولین‌بار جمعیت دفاع از آزادی‌ها و حقوق بشر را در ایران تاسیس می‌کنند. در سال‌های آخر حکومت شاه به خصوص بعد از نامه دکتر حاج سید جوادی این گرایش شروع می‌شود که ما باید به دفاع از حقوق بشر و آزادی‌ها بپردازیم. برخلاف آنچه در سطح ژورنالیستی گفته می‌شود دیگر، آن گفتمان رادیکال خشونت گرا در تمام دوره مافبل انقلاب، حاکم نیست بلکه در آستانه انقلاب این ایده مطرح می‌شود که ما باید به سمت دفاع از حاکمیت قانون و حقوق بشر و شهروند برویم. این گرایش تبدیل به نهاد می‌شود اما در انقلاب به تعلیق درمی‌آید و بعد از انقلاب تاکنون به یک مساله اصلی تبدیل می‌شود؛ یعنی دفاع از نظام قضایی، عدالت حقوقی و نظام قانون- بنیاد که از پیش از مشروطه در قالب جنبش عدالت‌خانه پیگیری شده بود. منظور از عدالت‌خانه، نهادینه کردن حاکمیت قانون بود ولی بعدا تبدیل به مشروطه شد. در واقع مشروطه، جنبش قانون اساسی بود و تا انقلاب بهمن ۵۷ هم بحث درباره قانون اساسی مطرح شد. امروز هم مساله اساسی، قانون اساسی است. از چیزی که در انقلاب ایران به عنوان گفتمان اسلام انقلابی معروف شده بود یا انقلاب اسلامی متفاوت شد. این اولین تغییر جهت بود. استاد مطهری بحثی دارند به نام انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی. ایشان می‌گویند تفاوت آنها، این است که در انقلاب اسلامی، اسلام، هدف است. نه انقلاب ولی در اسلام انقلابی، اسلام، وسیله است و انقلاب و مبارزه هدف است. به این ترتیب این تغییر بعدها توسط مسئولان نظام به کار گرفته شد؛ مثلا رئیس‌جمهور قبلی هم در یکی از سالگردهای استاد مطهری از این تعبیر استفاده کرد. البته اینها فرمول‌ها و کدهایی است که بیشتر نشانگر خط‌مشی‌های مختلف است. بنابراین ما می‌خواهیم از طریق این برچسب‌ها کدها، آن خط‌مشی‌ها را ببینیم. این اولین تغییر جهت است که می‌شود به آن گفت تغییر جهت از شریعتی به مطهری در آغاز انقلاب که در دوره فعلی به تغییر جهت از مطهری به مصباح‌یزدی تبدیل می‌شود. اینها نشان‌دهنده تغییرات گفتمانی به سمت وضعیتی است که ما امروزه با آن مواجه هستیم؛ از یک طرف نظامی که از نظر اقتصادی نوعی از نئولیبرالیسم است. بر این نظام اقتصادی هیچ قانونمندی و قاعده‌ای حاکم نیست. این بی‌رویه بودنی که در سیستم اقتصادی ما وجود دارد در یک سیستم سرمایه‌داری جهانی دیگر وجود ندارد. از سوی دیگر این وضعیت توجیه می‌شود که در کنارش کارهای حسناتی و خیریاتی را برای تنش‌زدایی و تخفیف الام در شکل‌های سنتی سازمان‌دهی می‌کند. این گفتمان، دیگر جواب نمی‌دهد. بنابراین ما امروز با جامعه معترض مطالبه‌گری مواجه هستیم که از اقشار مختلف به صحنه آمده‌اند و از سوی دیگر دولتی که منسجم شده و حاکمیتی که یکدست شده است. اینکه چگونه این دولت می‌تواند پاسخگو باشد بحث سیاسی و اقتصادی روز است اما آنچه برای ما مهم است، چشم‌انداز ایدئولوژیکی، عقیدتی و فکری این روندها برای اینده است. با تجربه‌ای که از انقلاب تاامروز طی کردیم ما نیاز داریم که به ترسیم دوباره چشم‌اندازی بپردازیم که در آن، هم مفاهیم به‌طور دقیق تعریف و روشن شده باشند و هم نهادهایی که می‌خواهیم برای گذار به سمت جمهوری، دموکراسی و جامعه عادلانه بر سازیم.

نگـــاه

طرح صیانت، خلاف حقوق شهروندی

ادامه از صفحه یک / این طرح خلاف حقوق شهروندی و حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، در قانون اساسی تاکید شده که حکومت موظف است آگاهی شهروندان را افزایش دهد، امکان اطلاع‌رسانی را فراهم نماید و آموزش و پرورش را ارتقا دهد. همه این اتفاقات و تصویب این طرح برخلاف قانون اساسی است و در حقیقت یک اقدام غیرقانونی در چارچوب قانون به‌حساب می‌آید. کسی فراموش نکرده که در سال ۹۸ که اینترنت فقط برای چند روز مسدود شد و استفاده از اینترنت داخلی آزاد بود، چه خسارت‌های میلیارد دلاری به کشور و به استارت‌آپ‌ها وارد گردید. بی‌شک شهروندان حق دارند از امکانات ارتباطی استفاده کنند و این طرح صیانت که در حقیقت محدودیت و خلاف حقوق شهروند است. همچنین مسئولان نمی‌گویند که با کدام زیرساخت می‌خواهید مثلا یک پلتفرم مانند اینستاگرام را محدود کنید؟ با پلتفرم‌های ایرانی که به دلیل عدم استقبال مردم و هزینه‌های چندین میلیارد تومانی، ورشکسته و تعطیل شدند؟! به‌جای اینکه اعتماد و دیرگرمایی کشور را افزایش دهیم تا مردم به‌دنبال پلتفرم‌های خارجی نروند، می‌خواهند که با این طرح صیانت و محدودیت، استقبال از این پلتفرم‌های ورشکسته را افزایش دهند.

عکس: آرمان‌ملی/ فاطمه فتاحی

داریوش قنبری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

برجامِ روحانی ایراد داشت؛ الان ندارد!

عیار دولت پس از برجام معلوم می‌شود

احیای برجام بخش‌هایی از اصولگرایان را با بحران هویت مواجه می‌کند

دولت از فرصت لغو تحریم‌ها برای اصلاح ساختارها استفاده کند

ادامه سیاست‌های موجود پاسخگوی دوران پساتحریم نیست

راهی جز میدان دادن به بخش خصوصی نداریم

◆ دولت چه بایدها و نبایدهایی را برای دوران پس از احیای برجام باید در دستور کار خود قرار بدهد؟ مهم‌ترین اولویت‌های کشور پس از لغو تحریم‌ها چیست؟

عیار واقعی مدیریت دولت پس از احیای برجام و لغو تحریم‌ها خود را نشان خواهد داد. شاید تا قبل از احیای برجام دولت مشکلاتی برای ارتباط اقتصادی با کشورهای دیگر داشت اما پس از توافق احتمالی این مشکلات از بین خواهد رفت. در شرایط کنونی به دلیل اینکه کشور در حال تحریم و غیرعادی قرار دارد تأمین منابع برای مدیران دشوار است و با معذوریت‌هایی مواجه هستند. با این‌وجود در شرایطی که برجام احیا شود تحریم‌ها لغو شود وضعیت تأمین مالی مدیران مرتفع خواهد شد و مشکلات کاهش پیدا خواهد کرد. در این شرایط این مدیران هستند که باید از لغو تحریم‌ها استفاده کنند و از منابعی که در اختیار آنها قرار می‌گیرد برای بهبود شرایط کشور استفاده کنند. در این دوران دولت می‌تواند راه‌های مختلفی را در پیش بگیرد. یکی از این راه‌ها می‌تواند پول یاشی باشد و پول‌های آزادشده ایران در بانک‌های خارجی را تزریع کند و بخشی از این پول‌ها را به واردات اختصاص بدهد. اگر دولت بخواهد از این روش استفاده کند بعید به نظر می‌رسد که به موفقیت دست پیدا کند و در وضعیت زندگی مردم تغییر ایجاد کند. شاید این اقدامات در کوتاه‌مدت جوابگو باشد اما در بلندمدت مشکلی را حل نمی‌کند. راه دیگر که راه بهتری است این است که دولت منابع آزادشده را به بخش‌های مولد اقتصاد کشور اختصاص بدهد و تولید ملی را تقویت کند. بخش‌هایی که می‌توانند ایجاد اشتغال کنند و به ارتقای سطح تولید وزندگی مردم کمک کنند. کاهش قیمت ارز می‌تواند به کاهش قیمت واردات منجر شود که می‌تواند به وضعیت معیشتی مردم کمک کند. دولت باید این نکته را در نظر داشته باشد که رکود اقتصادی از اهمیت بیشتری نسبت به تورم برخوردار است. به همین دلیل دولت باید بیشتر انرژی خود را صرف این موضوع کند که کشور را از وضعیت رکود خارج کند.

> دولت باید تکلیف خود را مشخص کند که آیا قصد دارد با سیاست‌های پوپولیستی کاهش قیمت‌ها از طریق واردات و اختصاص منابع آزادشده به واردات را در پیش بگیرد تا یک رضایت موقت را در کشور ایجاد کند یا اینکه به دنبال تحولات اساسی و بنیادین خواهد بود و با ایجاد اشتغال و تقویت تولید کشور را از رکود خارج خواهد کرد.

◆ با توجه به جهت‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی که دولت در ماه‌های گذشته از خود بروز داده به نظر شما دولت در کدام مسیر حرکت خواهد کرد؟

دولت باید تکلیف خود را مشخص کند که آیا قصد دارد با سیاست‌های پوپولیستی کاهش قیمت‌ها از طریق واردات و اختصاص منابع آزادشده به واردات را در پیش بگیرد تا یک رضایت موقت را در کشور ایجاد کند و یا اینکه به دنبال تحولات اساسی و بنیادین خواهد بود و با ایجاد اشتغال و تقویت تولید کشور را از رکود خارج خواهد کرد. رکود و تورم دو چالش مهم اقتصادی کشورهای مختلف در جهان امروز هستند. کشورهایی که با تورم مواجه هستند با برخی سیاست‌های انقباضی تلاش می‌شود کشور از وضعیت تورمی خارج شود. در کشورهایی که رکود وجود دارد رویکرد انبساطی را در پیش می‌گیرند و برخلاف دسته نخست عمل می‌کنند. مشکلی که امروز در کشور وجود دارد همزمانی پدیده رکود و تورم باهم است. تورم برای هر کشوری یک پدیده منفی تلقی می‌شود. با این‌وجود مخرب بودن رکود به‌اندازه تورم نیست. آثار و پیامدهای رکود برای یک کشور بیشتر از تورم است و به همین دلیل دولت باید سیاست‌هایی را در پیش بگیرد که کشور را از وضعیت رکود خارج کند. مدیران باید اقداماتی را انجام بدهند که کشور از وضعیت رکود خارج شود. بدون تردید ادامه وضعیت رکود در کشور می‌تواند بحران‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی در کشور ایجاد کند. یکی از مهم‌ترین چالش‌های امروز کشور بیکاری است. بیکاری نیز به‌صورت مستقیم با رکود ارتباط دارد. به همین دلیل دولت زمانی می‌تواند از برای چالش بیکاری راه‌حل پیدا کند که کشور از وضعیت رکود خارج شود.

◆ دولت‌ها در ایران همواره اصلاح ساختاری را فدای رویکردهای کوتاه‌مدت کرده‌اند. با این‌وجود فرصت‌هایی تاریخی مانند دوران پس از برجام می‌تواند زمانی برای اصلاح ساختارها به شمار رود. دولت چگونه می‌تواند از فرصت لغو تحریم‌ها در راستای اصلاح ساختارها استفاده کند؟

برخی اقدامات در راستای اصلاح ساختاری در سازمان برنامه‌وبودجه در حال انجام شدن است که این اقدامات امیدوارکننده است. واقعیت این است که ادامه سیاست‌های موجود در دوران پسا تحـــریم نمی‌تواند پاسخگوی مشکلات کشور باشد. برخی اقدامات اقتصادی توسط کمیته اقتصادی قوای سه‌گانه به‌صورت کوتاه‌مدت در ماه‌های گذشته انجام‌شده است که برای شرایط گذار بوده است. با این‌وجود ادامه این سیاست‌ها در بلندمدت می‌تواند مشکلات اقتصادی قابل توجهی را برای کشور ایجاد کند. بنابراین در مرحله نخست دولت باید تصمیماتی که برای شرایط فوق‌العاده اتخاذ کرده را اصلاح کند و یا کنار گذاشته شود تا کشور به یک شرایط عادی بازگردد. این تصمیمات در شرایطی گرفته‌شده که کشور در وضعیت غیرعادی قرار داشته است. به همین دلیل هنگامی که کشور به شرایط عادی بازگشته این تصمیمات نیز باید به وضعیت عادی تغییر حالت بدهد و تصمیمات بهتری جایگزین شود. اقتصاد ایران دارای اشکالات ساختاری است و همه کارشناسان نسبت به این موضوع اتفاق‌نظر دارند. دولت‌هایی که پس از انقلاب نیز روی کار آمده‌اند هرکدام به‌نوعی با این مشکلات ساختاری که در اقتصاد ایران وجود دارد مواجه بوده‌اند. به‌همین دلیل در شرایط پسا تحریم که کشور به وضعیت عادی بازمی‌گردد ضروری است که اصلاحات در برخی قوانین و رویه‌ها صورت بگیرد تا وضعیت اقتصادی کشور روند روبه بهبود به خود بگیرد و بخش خصوصی به‌عنوان موتور محرک اقتصاد کشور فراهم کند.

◆ چرا بخش خـــصوصی در دوران پسا تحریم دارای اهمیت است؟

برخی تصمیم‌گیری‌ها که در گذشتـــه صورت گرفته بخش خصوصی را زمین‌گیر کرده و فعالیت‌های آنها را محدود کرده است. به همین دلیل دولت اگر قصد دارد وضعیت اقتصادی را تغییر بدهد، باید اصلاحات اقتصادی به سود بخش خصوصی انجام بدهد و زمینه را برای فعالیت بخش خصوصی فراهم کند. این تصمیمات و اقدامات نیز نباید جنبه شعاری داشته باشد، بلکه باید عینی و واقعی باشد. بخش خصوصی باید در اقتصاد کشور ایفای نقش کند و نباید فعالیت بخش خصوصی در حد تعارف باقی بماند. نباید شرایط به شکلی باشد که برخی سیاست‌ها به سودبخش خصوصی باشد و در مقابل سیاست‌های دیگر تدوین شود که سبب توقف بخش خصوصی شود. دولت باید به سمتی حرکت کند که موانعی که بر سر بخش خصوصی قرار دارد از طریق اصلاح برخی قوانین از بین برود. کشوری که قصد توسعه و پیشرفت دارد راهی به‌جز میدان دادن به بخش خصوصی ندارد. کشورهایی که در گذشته اقتصاد دولتی داشته‌اند به‌مرور زمان به این نتیجه رسیده‌اند که فرصت را برای بخش خصوصی فراهم کنند و از اقتصاد دولتی فاصله بگیرند. نمونه بارز این کشورها ترکیه است که با فراهم کردن زمینه‌های فعالیت برای بخش خصوصی موفق شده درآمد سرانه بالایی در سطح منطقه به دست بیاورد. شرایط این کشور به‌صورتی است که سالانه در حدود ۲۰۰ میلیارد دلار صادرات دارد و درآمدی که از توریسم به دست می‌آورد در حدود ۶۰ میلیارد دلار است. نکته مهم اینکه این درآمد قابل توجه توسط بخش خصوصی در این کشور به دست می‌آید و نه بخش دولتی. به همین دلیل اگر ما نیز قصد داریم به چنین درآمدی دست پیـــدا کنیم راهی به‌جز حمایت و تقویت بخش خصوصی نداریم. اگر اقتصاد کشور به سمت اصلاحات ساختاری با هدف میدان دادن به بخش خصوصی حرکت کند می‌توان نسبت به آینده کشور امیدوار بود. آنچه تاکـــنون مشخص شده این اســـت کـــه سیاست خارجی دولت رئیسی با رویکردی که در پیش گرفتـــه بود تفاوت چندانی نخواهد داشت و به هم شبیه خواهد بود. هدف ایران این است که با توافق در پرونده هسته‌ای تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران برداشته شود و ایران بتواند مانند گذشته مراودات تجاری خود را با کشورهای جهان از سر بگیرد. ارتباط اقتصادی ایران با کشورهای جهان و امکان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران مستلزم برداشته شدن تحریم‌ها است و به نظر می‌رسد دولت رئیسی در این زمینه تلاش خواهد کرد.

◆ هنگامی که برجام در سال ۹۴ امضا شد مخالفان به شکلی برجام را در جامعه تفسیر کردند که درنهایت به ضد خود تبدیل شد. در شرایط کنونی اگر احیای برجام صورت بگیرد اصولگرایان چه تفسیری باید از این موضوع در جامعه ارائه بدهند که درنهایت به سود منافع ملی تمام شود؟

اصولگرایان که پس از برجام به مخالفت با برجام برخاستند امروز وجود ندارند. اغلب کسانی که در آن زمان با برجام مخالفت کردند امروز به‌نوعی در قدرت حضور دارند. شاید برخی از آنها در قدرت حضور نداشته باشند اما تفکری که امروز کشور را اداره می‌کند منتسب به همین دیدگاه است. البته بخش‌هایی از اصولگرایان ممکن است با احیای برجام با چالش‌های هویتی مواجه شوند و به همین دلیل با احیای برجام نیز مخالفت کنند. برخی نیز به دنبال بهانه‌ای هستند که مخالفت‌های خود را برجام را توجیه کنند. این عده تلاش می‌کنند احیای برجام را یک موفقیت برای اصولگرایان و دولت منتسب به آنها قلمداد کنند. به‌عنوان‌مثال احتمال اینکه روزنامه کیهان همچنان مواضع گذشته خود را درباره برجام تکرار کند وجود خواهد داشت. با همه این اوصاف من فکر می‌کنم برخلاف دوران آقای روحانی که مخالفت‌های زیادی با احیای برجام صورت گرفت این بار این اتفاق رخ ندهد و شرایط گذشته تکرار نخواهد شد. شرایط امروز به شکلی است که بسیاری از کسانی که دیروز مخالف برجام بوده‌اند امروز از برجامی که توسط دولت رئیسی امضا شود حمایت می‌کنند. گویا تنها مشکل این گروه این بوده که برجام توسط دولت روحانی امضاشده

> بخش‌هایی از اصولگرایان ممکن است با احیای برجام با چالش‌های هویتی مواجه شوند و به همین دلیل با احیای برجام نیز مخالفت کنند. برخی نیز به دنبال بهانه‌ای هستند که مخالفت‌های خود با برجام را توجیه کنند. این عده تلاش می‌کنند احیای برجام را موفقیت برای اصولگرایان و دولت منتسب به آنها قلمداد کنند

و امروز که قرار است توسط دولت رئیسی امضا شود اشکالی وجود ندارد. توافقی که توسط دولت رئیسی امضا خواهد شد توافق جدیدی نیست، بلکه توافقی است که در گذشته امضا شده اما در شرایط کنونی قرار است احیا شود. البته این احتمال وجود دارد که برخی که اینکه مخالفت خود را به شکلی توجیه کنند تلاش کنند با برجامی که قرار است در آینده نیز امضا شود مخالفت کنند. با این‌وجود به نظر نمی‌رسد که این مخالفت‌ها در اراده دولت آقای رئیـــسی مانع جدی ایجاد کند. واقعیت این است که هرگونه تحول و تغییر در وضعیت اقتصادی کشور منوط به تغییر در وضعیت پرونده هسته‌ای و برداشته شدن تحریم‌هاست. اقتصاد ایران هدف‌است که گروگان پرونده هسته‌ای و تحریم‌های بین‌المللی است و فشارهایی که به زندگی مردم وارد می‌شود به این دلیل است. به همین دلیل اگر قرار است تغییری در وضعیت اقتصاد کشور و مردم ایجاد شود باید با تغییر در سیاست خارجی و برداشته شدن تحریم‌ها شکل بگیرد. شرایط به شکلی است که نمی‌توان وضعیت اقتصادی کشور را جدا از وضعیت سیاست خارجی و موضوع پرونده هسته‌ای در نظر گرفت. در سال‌های اخیر مسائل رخ‌داده در سیاست خارجی تأثیر مستقیمی بر وضعیت اقتصادی کشور گذاشته و بسیاری از مشکلات اقتصادی جامعه از اتفاقات بین‌المللی نشأت می‌گیرد.

یادداشت

برداشت گاز از منابع مشترک با قطر حق مسلم ماست

ادامه از صفحه یک / منابع مالی و نیز تحریم نتواند در این رقابت کاری از پیش ببرد، عملا این دولت قطر است که بر روی گنج باد آورده میدان گازی پارس جنوبی کمین زده و هر روز کشتی‌های حامل گاز مایع از قطر سینه دریا را می‌شکافند و حسرت را به دل ایرانیان می‌گذارند. شروع کار قطر در برداشت از منابع گازی مشترک به سال ۱۹۹۰ یعنی ۳۲ سال پیش برمی‌گردد. ایران اما شروع اولیه حفاری در این منطقه را با ۱۰ سال تاخیر در دولت اصلاحات شروع کرد و برآورد می‌شود قطر تاکنون دو ونیم برابر ایران از این میدان مشترک گاز برداشت کرده است. ایران سال‌هاست که تلاش می‌کند فازهای بالمیانده پارس جنوبی را راه‌اندازی و تکمیل کند اما موانع تحریمی موجود اجازه رسیدن به این هدف را نمی‌دهد. گفته می‌شود ۵ فاز پارس جنوبی در حال تکمیل است و توسعه فاز ۱۱ هنوز آغاز نشده است. اضافه برداشت قطر که منجر به افت برداشت گاز در شمال منطقه پارس جنوبی در بخش ایران شده است، علاوه بر اضافه برداشت طرف قطری، بکارگیری تکنولوژی جدید احداث سکوهای عظیم ۲۰هزار تنی در کف دریااست که قطر را قادر ساخته است کمیرسوردهای بزرگ را بر روی چاه‌های خود نصب و مانع افت برداشت شود. سنگین‌ترین سکوی فعلی ایران در این میدان ۱۵۰۰ تا دوهزار تن وزن دارد. و تنها به اتکای فشار طبیعی خود میدان، گاز تولید می‌شود. تناسب ۲۰۰ تن تا ۲۰هزار تن وزن سکو اختلاف فاحش برداشت بین ایران و قطر را می‌رساند. وقتی پرچم در شش سال پیش امضا شد، شرکت توتال فرانسه، کنسرسیومی با شرکت سی‌ان‌پی‌سی چین با سرمایه نزدیک به پنج میلیارد دلار با ایران امضا کردند که فاز ۱۱ یعنی جنوبی‌ترین فاز در بخش ایرانی را با تکنولوژی جدید و نصب سکوی ۲۰هزار تنی با کمیرسوردهای عظیم راه‌اندازی کنند. بر آورد اولیه این بود که بین شش تا ۱۲ سکوی عظیم و کمیرسوردهای پرقدرت لازم است که حوزه گازی ایران دچار افت فشار نشود. قیمت هر سکو به همراه کمیرسوردهایش حدود دو و نیم میلیارد دلار برآورد شده بود که در زمان اندکی سرمایه اولیه به‌اضافه سود آن برگشت داده می‌شد. پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا و نگاه او به برجام و مهمتر از آن ایجاد مانع برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی موضع ایران را در قبال تهدیدات ترامپ ضعیف ساخت و با خروج آمریکا از برجام، کنسرسیوم توتال و شرکت چینی قرارداد خود را با ایران ادامه ندادند و ظاهرا سرمایه‌گذاری در طرف قطری را به صلاح دانسته و عملا قطر پرقدرت‌تر از سابق با نصب سکوهای ۲۰هزار تنی سهم ایران را هم از آن خود ساخت. ایران با داشتن منابع عظیم گازی که ۳۵ تا ۴۰ ترلیون مترمکعب تخمین زده می‌شود در کنار روسیه، یکی از دو دارنده بزرگ ذخایر گازی است اما قطر توانسته به رغم منابع کمتر گازی، بیش‌ترین برداشت را از آن خود کند و روسیه نیز به‌رغم لاف دوستی، همه هوش و توان خود را به کار برده که انحصار بازار مصرف گاز اروپا را از آن خود نگه دارد و اجازه ندهد ایران سهمی از این بازار داشته باشد. ایران دارنده دومین ذخایر گاز جهان هم اکنون در میان کشورهای تولیدکننده گاز، تولیدکننده کم خطر و کوچکی است که زیر سایه روسیه و قطر سهمی از بازار جهانی ندارد. وحتی تراز منفی تولید و مصرف گاز داخل کشور را پیش‌رو دارد. تراز منفی که طی چهار ماه آخر سال به ۳۰ میلیون مترمکعب رسید. تولید روزانه گاز طبیعی ایران هشتصد مترمکعب در روز ارزیابی می‌شود که اگر سرمایه‌گذاری جدیدی برای توسعه استخراج گاز صورت نگیرد، با توجه به رشد ۱۰ تا ۱۵ درصدی مصرف گاز داخلی در آینده، کشور ایران خود به واردکننده گاز تبدیل می‌شود. دو کشور ترکیه و عراق که واردکننده گاز از ایران هستند به لحاظ اینکه در بعضی از فصول گاز این کشورها قطع می‌شود، دنبال مشتری بانثانی‌اند. به این آمار هم توجه کنید. روسیه به عنوان اولین دارنده ذخایر گازی جهانکته تنها اندکی بیش از ایران گاز دارد در ژانویه ۲۰۲۱ حدود ۱۶۸۸ ترلیون فوت مکعب ذخیره گازی‌اش تخمین زده می‌شود. به همین اعتبار تولید گاز خود را با توجه به خطوط لوله نورد استریم یک و احداث خط لوله نورد استریم دو به ۲۲ ونیم ترلیون مترمکعب رسانده است و با این پشتوانه به کشورهای مصرف کننده این نوید را می‌دهد که فروشنده بانثانی است. هدف روسیه تحکیم موقعیت این کشور به عنوان قدرت جهانی صادرکننده گاز است و بنابر سند راهبردی توسعه تولید و صادرات تا سال ۲۰۳۵ طرح‌های متعدد برای متنبه کردن نوع و نحوه مصرف گاز را در برنامه خود دارد. عمده سرمایه‌گذاری روسیه بر تولید گاز مایع (ال‌جی در بازارهای جهانی است که امکان حمل آن چه با لوله چه با تانکرهای غول پیکر میسر است. به موجب این سند راهبردی روسیه اعلام نموده است تا سال ۲۰۲۴ میلادی صادرات گاز مایع را به ۴/۵ تا ۴۰۰ تریلیون فوت مکعب و تا سال ۲۰۳۵ به ۳۰۰ تا ۹/۶۰۰ تریلیون فوت مکعب در سال می‌رساند درحالی که ایران عملا از تامین گاز مصرف داخلی ناتوان است. و به پشتوانه این برنامه‌ها، روسیه را قادر ساخته است که چین بزرگ‌ترین مصرف کننده گاز طبیعی قراردادی ۳۵ ساله را با روسیه امضا کند. هرچند خود خط لوله نورد استریم دو که از بستر دریای بالتیک گاز روسیه را در کنار خط لوله نورد استریم یک به آلمان می‌رساند، به لحاظ مسائل سیاسی و مرزی اوکراین به‌رغم سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد دلاری افتتاح نشده است اما سرمای اروپا و انحصاری بودن گاز در دستان روسیه به هر حال آلمان را وادار به خرید گاز با ثبات از روسیه و انتقال آن از خط لوله نورد استریم دو می‌نماید و روسیه با درآمد حاصل از انتقال گاز از خط لوله نورد استریم دو درصدد است در نواحی قطبی و شبه جزیره یامال و خلیج لوپی، منطقه سیبری را در کانون توسعه قرار داده و ضمن افزودن بر تولید سالانه گاز طبیعی، سیطره خود را در قلب شمال که آن را ادامه خاک سرزمینی می‌داند، به رخ جهانیان بکشاند. بر آورد ذخایر گازی ایران هم قابل توجه است. ذخایر گازی ایران بالغ بر ۱۲۰۰ ترلیون فوت مکعب معادل ۳۴ ترلیون مترمکعب است که ۱۷ درصد مجموع ذخایر گازی جهان است. در حالی که تولید روزانه به طور متوسط هشتصد مترمکعب گاز تولید می‌کند که از این میزان حدود ۷۹۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی در داخل مصرف می‌شود. یعنی ۱۱۰ میلیون مترمکعب گاز مازاد داریم که میزان قابل توجهی برای صادرات نداریم. یعنی دارنده دومین ذخیره گازی جهان تنها می‌تواند ۱۱۰ میلیون مترمکعب گاز اضافه بر مصرف داخلی داشته باشد. مصرف گاز در بخش خانگی، تجاری و صنایع غیرعمده ۶۰۴ میلیون مترمکعب، صنایع عمده ۹۴ میلیون مترمکعب و نیروگاه‌ها ۹۵ میلیون مترمکعب است. توقع این است که آقای رئیس‌جمهور در سفر به قطر مسأله گاز خصوصا اضافه برداشت گاز طرف قطری از میدان گازی پارس جنوبی و نصب سکوهای ۲۰هزار تنی و کمیرسوردهای غول پیکر که باعث افت برداشت گاز در قسمت ایرانی شده است را مورد مذاکره قرار دهد تا اگر برجام به سرانجام رسید و ایران توانست سرمایه‌گذاری در بخش استخراج گاز در حوزه نفت و گاز مشترک پارس جنوبی پیدا کند مواجه با قحطسالی برداشت گاز از جنان که سعدی بزرگوار در قحطسالی دمشق گفته است، آسمان بر زمین و اینبار آسمان بر آب‌های اطراف پارس جنوبی بخل ورزد و دومین ذخایر گازی جهان هم حرفی برای گفتن داشته باشد. حرفی که باید شعار «گاز حق مسلم ماست» را بر هر کوی و برزن ندا بدهیم.

مهدی مطهرنیا در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

توافق در وین دائمی نخواهد بود!

◆ پرانتز اصلی بحران روابط ایران با آمریکا در دوران شکل‌گیری نظم نوین جهانی است

◆ برداشته شدن تحریم‌ها چیزی را تغییر نخواهد داد

◆ باید دید روس‌ها با برگ ایران چه معامله‌ای انجام می‌دهند

◆ اروپا ناچار به پذیرش بسیاری از گزاره‌های آمریکاست

آرمان ملی- حمید شجاعی: مذاکرات احیای برجام در دوجد جدید و پس از بازگشت هیأت‌های مذاکره‌کننده در وین در حال برگزاری است و هر روز شاهد مذاکرات دو یا چند جانبه‌ای از سوی هیأت‌ها برای کاهش اختلافات و نزدیک کردن مواضع هستیم. این در حالی است که همه طرف‌های برجام از رسیدن به روزهای اتخاذ تصمیم نهایی در مذاکرات خبر می‌دهند و خواستار تسریع در رسیدن به یک موضع هماهنگ در راستای دستیابی به توافق هستند. با این حال هنوز مشخص نیست که اختلاف‌ها و پرانتزهای باز در مذاکرات تا چه میزان حل و فصل شده و طرفین تا چه میزان آماده توافق هستند! اما آنچه مسلم است همه طرف‌ها خواهان توافقند و از پیشرفت مذاکرات در دو نهایی خبر می‌دهند. حال باید دید که چه زمانی دود سفید توافق از هتل کوبورگ وین بلند خواهد شد. در این راستا «آرمان ملی» با مهدی مطهرنیا آینده پژوه سیاسی و اجتماعی و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

◆ تحولات پیرامون مذاکرات احیای برجام و روند مذاکرات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مذاکرات ایران با ۴+۱ به طور مستقیم و با ۵+۱ به طور غیرمستقیم در حال انجام پذیرفتن برای بازگشت به برجام با توافقنامه ۲۰۱۵ مورد توجه قرار می‌گیرد. این هشتم دور مذاکرات در دور هشتم خود تا اولتیماتوم آمریکا مبنی بر اینکه تا پایان ماه جاری میلادی فرصت برای مذاکره و بازنویس درهای مذاکره وجود دارد، اکنون ادامه پیدا کرده و این استمرار در یک حالت خوف و رجاء صورت می‌پذیرد. بیم و امید ناشی از اینکه ایران با قدرت وارد مذاکرات دور هشتم شد و دو پیش نویس روز مبنی گذاشت که هر دو از سوی مذاکره کنندگان ۴+۱ و سپس آمریکا زیر رد شد و ایرانی که به هر تقدیر در ارتباط با برجام سخن از برداشتن تحریم‌ها، راستی آزمایی برداشتن تحریم‌ها و همچنین گرفتن تعهداتی نسبت به عدم خروج آمریکا از برجام داشته میل خود به بازگشت به برجام را در برابر این امتیازات کلان مورد توجه قرار داده است. اکنون با توجه به اینچه که در صحنه عمل دیده می‌شود آمریکا نه تنها آنها را نپذیرفته بلکه بازگشت به برجام را منوط به آزاد کردن آمریکایی‌ها در تابعیتی در تهران و مسیر دیگری برای بازگشت به برجام را در باب موضوعات دیگر بوده است. مساله خروج اورانیوم‌های غنی شده، از کار انداختن سانتریفیوژهای پیشرفته و مساله تحرکات ایران در منطقه نیز در دستور کار قرار گرفته است. این مساله بدین معنا است که ایران در حال پذیرفتن یک توافقنامه‌ای غیر از برجام است که با محدودیت‌های بیشتر روبرو است و این می‌تواند برای دولت انقلابی حاکم بر تهران که یک جامعه حکومتی تشکیل داده است به این معنا که قوه مجریه اکنون در کل نظام حکومتی ایران به عنوان دولت اسلامی مطلوب شناخته شده و نماینده طرز تفکر انقلابی در این جامعه محسوب می‌شود. بالطبع پذیرش چیزی بالاتر از برجام با محدودیت‌های بیشتر می‌تواند پیامدهای متفاوتی را برای دولت انقلابی کنونی در تهران به دنبال داشته باشد. فراموش نکنیم که ایران در پذیرش برجام با محدودیت‌های خاصی روبه‌رو شد که این محدودیت‌ها در عین حال که توانست زمینه خروج ایران از یک بن‌بست سیاسی در سال ۲۰۱۵ را فراهم کند زمینه‌ساز ورود کشورهای اروپایی به تهران و همچنین مذاکرات فزون‌تر در ارتباط با اتفاقات افتاد رادهای بیشتر با مسکو و پکن شد. اما در عمل با توجه به فشارهای آمریکا و خروج از چهار زمینه‌های این تحرکات بسیار محدود شده و ایران با اعلام خروج آمریکا از برجام اعلام ک